Journal of Research in Psychological Health
September 2025, Volume 19, Issue 3

Predicting Marital Commitment Based on Conflict Resolution Styles and Communication Patterns among Married Couples in Qom

Zahra Sadat Hosseini [1], Zabihollah Gharlipour[2]

[1] *Department of Family Counseling, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran*
[2] *Corresponding Author: Professor, Department of Health Education and Health Promotion, School of Public Health, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran. Email: z.gharlipour@muq.ac.ir*

Citation: Hosseini, Z. S., Gharlipour, Z. Predicting Marital Commitment Based on Conflict Resolution Styles and Communication Patterns among Married Couples in Qom. **J**ournal of **R**esearch in **P**sychological **H**ealth. 2025; 19 (3):45-60 [Persian].

Article Info:

Abstract

Marital commitment is one of the most important determinants of marital stability and relationship quality. Identifying its predictors can contribute to the development of effective educational and therapeutic interventions for couples. The present study aimed to predict marital commitment based on conflict resolution styles and communication patterns among married couples in Qom. This applied study employed a descriptive correlational design. The statistical population consisted of married couples living in Qom, from whom 393 participants were selected through convenience sampling. Data were collected using the Marital Commitment Inventory developed by Adams and Jones, the Communication Patterns Questionnaire developed by Christensen and Sullaway, and Rahim's Conflict Resolution Styles Questionnaire. Data were analyzed using Pearson correlation coefficients and multiple regression analysis. The findings indicated that conflict resolution styles and communication patterns significantly predicted marital commitment. Among the conflict resolution styles, the integrating style was the strongest predictor of marital commitment, while among the communication patterns, only mutual constructive communication significantly predicted marital commitment. These findings suggest that strengthening constructive conflict resolution skills and improving communication patterns may enhance marital commitment and promote marital stability. Therefore, these components should be considered in premarital education and couple counseling programs.

Key words

Marital Commitment, Conflict Resolution Styles, Communication Patterns, Marital Relationships, Married Couples

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های حل تعارض و الگوهای ارتباطی در زوجین شهر قم

زهرا سادات حسینی [۱]، ذبیح اله قارلی پور [۲]

۱. گروه مشاوره خانواده ، واحدقم،دانشگاه آزاد اسلامی،قم،ایران.

۲. نویسنده مسئول: استاد،گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم ایران.
z.gharlipour@muq.ac.ir

تاریخ دریافت
1404/1/2
تاریخ پذیرش نهایی
1404/6/31

چکیده

تعهد زناشویی یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری و کیفیت روابط زوجین است و شناسایی عوامل مؤثر بر آن می‌تواند در طراحی مداخلات آموزشی و درمانی خانواده نقش مؤثری داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های حل تعارض و الگوهای ارتباطی زوجین شهر قم انجام شد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زوجین شهر قم بود که از میان آنان ۳۹۳ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز، پرسشنامه الگوهای ارتباطی کریستنسن و سالاوی و پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم گردآوری شد. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد سبک‌های حل تعارض و الگوهای ارتباطی توان پیش‌بینی معناداری برای تعهد زناشویی دارند. همچنین، در میان سبک‌های حل تعارض، سبک یکپارچگی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی بود و از میان الگوهای ارتباطی، تنها الگوی ارتباط سازنده متقابل نقش معناداری در پیش‌بینی تعهد زناشویی داشت. بر این اساس، ارتقای مهارت‌های حل تعارض سازنده و بهبود الگوهای ارتباطی زوجین می‌تواند در افزایش تعهد زناشویی و تقویت پایداری روابط زوجین مؤثر باشد. ازاین‌رو، توجه به این مؤلفه‌ها در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج و مداخلات مشاوره زوجین توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی
تعهد زناشویی، سبک‌های حل تعارض، الگوهای ارتباطی، زوجین، روابط زناشویی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مقدمه

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت روان، انسجام اجتماعی و رشد فردی اعضای جامعه ایفا می‌کند(اسدپور و همکاران ،۲۰۲۵) . کیفیت روابط میان زوجین، هسته اصلی کارکرد مطلوب خانواده را تشکیل می‌دهد و بر ابعاد مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد(شارعی و همکاران ،۲۰۲۳) . پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که روابط زناشویی رضایت‌بخش با پیامدهایی نظیر سلامت روان بیشتر، کیفیت بهتر زندگی، فرزندپروری مؤثرتر، ثبات خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی همراه است(پور شیرازی و همکاران ،۲۰۲۳) . با این حال، تغییرات گسترده فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دهه‌های اخیر، افزایش فشارهای روانی، تغییر در نقش‌های جنسیتی، گسترش انتظارات متقابل و پیچیده‌تر شدن تعاملات میان همسران، کیفیت روابط زناشویی را بیش از گذشته در معرض آسیب قرار داده است(گیرما شیفا،۲۰۲۴). پیامد این شرایط، افزایش تعارض‌های زناشویی، کاهش رضایت از زندگی مشترک، تضعیف صمیمیت و در نهایت افزایش احتمال فروپاشی خانواده است(وانگ و ژائو ،۲۰۲۳). ازاین‌رو، شناسایی عواملی که بتوانند موجب استحکام روابط زناشویی و حفظ ثبات خانواده شوند، به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهشگران حوزه خانواده و مشاوران ازدواج تبدیل شده است.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که دوام و پایداری رابطه زناشویی را تضمین می‌کند، تعهد زناشویی است(لین و همکاران ،۲۰۲۲) . اگرچه عشق و رضایت از عوامل اساسی در آغاز و تداوم زندگی مشترک محسوب می‌شوند، اما آنچه رابطه را در مواجهه با مشکلات و بحران‌های زندگی حفظ می‌کند، احساس مسئولیت، پایبندی و تعهد زوجین نسبت به یکدیگر است(نعمتی و همکاران ،۲۰۲۲) . تعهد زناشویی بیانگر تمایل آگاهانه همسران به حفظ رابطه، سرمایه‌گذاری هیجانی و رفتاری در ازدواج و تلاش مستمر برای ادامه زندگی مشترک حتی در شرایط دشوار است(غیابی و همکاران ،۲۰۲۲) . در واقع، تعهد موجب می‌شود افراد منافع بلندمدت رابطه را بر خواسته‌های کوتاه‌مدت ترجیح دهند و برای حفظ کیفیت زندگی مشترک، رفتارهای سازنده‌تری از خود نشان دهند. در مقابل، کاهش تعهد می‌تواند زمینه‌ساز بی‌تفاوتی، کاهش صمیمیت، افزایش تعارض، بی‌وفایی و در نهایت گسست رابطه زناشویی باشد (اکرمی ، ۲۰۲۲).

تعهد زناشویی یکی از پایدارترین شاخص‌های کیفیت روابط زوجین به شمار می‌رود و نقش مهمی در پیش‌بینی رضایت زناشویی، سازگاری، صمیمیت، اعتماد متقابل و ثبات خانواده دارد(لین و همکاران ،۲۰۲۲). زوج‌هایی که از سطح بالاتری از تعهد برخوردارند، در مواجهه با مشکلات زندگی مشترک، به جای کناره‌گیری یا ترک رابطه، برای حل مسائل و حفظ پیوند زناشویی تلاش بیشتری می‌کنند. این افراد نسبت به آینده رابطه خود دیدگاهی بلندمدت دارند، مسئولیت بیشتری در قبال همسر خود احساس می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های مهم، منافع رابطه را در اولویت قرار می‌دهند(اسدپور و همکاران ،۲۰۲۵) . در مقابل، ضعف در تعهد زناشویی با کاهش کیفیت رابطه، افزایش احتمال خیانت، نارضایتی زناشویی و طلاق ارتباط دارد (هاشمی زاده و همکاران، ۲۰۲۵). با وجود اهمیت بالای تعهد، این سازه تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد و شناسایی عوامل مؤثر بر آن می‌تواند در طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی برای ارتقای کیفیت زندگی زناشویی نقش مهمی ایفا کند.

یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند بر تعهد زناشویی اثرگذار باشد، شیوه مدیریت تعارض میان زوجین است(عطادخت و همکاران ،۲۰۲۴) . تعارض، بخشی طبیعی و اجتناب‌ناپذیر از روابط صمیمانه است و وجود اختلاف نظر به خودی خود نشانه ناکارآمدی رابطه محسوب نمی‌شود؛ بلکه آنچه کیفیت رابطه را تعیین می‌کند، نحوه مدیریت این تعارض‌هاست(مقیم و همکاران ،۲۰۲۲) . در واقع، تفاوت میان ازدواج‌های موفق و ناموفق بیش از آنکه در میزان تعارض باشد، در شیوه مواجهه زوجین با تعارض‌هاست. سبک‌های حل تعارض مجموعه‌ای از راهبردهای شناختی، هیجانی و رفتاری هستند که افراد هنگام بروز اختلاف برای مدیریت آن به کار می‌گیرند(علی و همکاران ،۲۰۲۴) . گاتمن (۲۰۲۳) و فولگر و همکاران (۲۰۲۴) معتقدند که زوج‌های موفق، تعارض‌ها را به شیوه‌ای سازنده مدیریت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

می‌کنند، در حالی که زوج‌های دارای مشکلات زناشویی بیشتر از الگوهای مخرب، سرزنش، اجتناب، تهدید و خصومت استفاده می‌کنند.

به طور کلی، سبک‌های حل تعارض را می‌توان در دو دسته سازنده و غیرسازنده طبقه‌بندی کرد. سبک‌های سازنده بر گفت‌وگو، همکاری، مصالحه، همدلی و یافتن راه‌حل‌های مشترک تأکید دارند و موجب افزایش احساس امنیت، اعتماد و صمیمیت میان همسران می‌شوند. در مقابل، سبک‌های غیرسازنده مانند اجتناب، سلطه‌گری، پرخاشگری، سرزنش و تهدید، نه تنها مسئله را حل نمی‌کنند بلکه شدت تعارض را افزایش داده و کیفیت رابطه را تضعیف می‌کنند (اسدپور و همکاران، ۲۰۲۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نحوه حل تعارض، یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های کیفیت زندگی زناشویی، رضایت از ازدواج و پایداری رابطه است. زوج‌هایی که از سبک‌های سازنده استفاده می‌کنند، معمولاً تعهد بیشتری نسبت به رابطه خود نشان می‌دهند؛ زیرا مدیریت مؤثر تعارض موجب تقویت اعتماد، کاهش فرسودگی هیجانی و افزایش احساس امنیت در رابطه می‌شود(عطادخت و همکاران ، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، استفاده مکرر از سبک‌های غیرسازنده، به تدریج احساس ناامنی، فاصله عاطفی و کاهش تعهد را در پی خواهد داشت (عبید کیا و همکاران ، ۲۰۲۲).

در کنار شیوه مدیریت تعارض، الگوهای ارتباطی زوجین نیز از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت روابط محسوب می‌شوند(اسدپور و همکاران ،۲۰۲۵) . ارتباط، زیربنای تمامی تعاملات میان همسران است و کیفیت آن می‌تواند مسیر رابطه را به سوی رشد یا فرسایش هدایت کند. الگوهای ارتباطی به شیوه‌های نسبتاً پایدار تعامل، تبادل پیام، بیان احساسات، گوش دادن و پاسخ دادن زوجین به یکدیگر اشاره دارد(دیلمی و همکاران ،۲۰۲۱) . بر اساس دیدگاه گاتمن و گاتمن (۲۰۰۷) ، سه الگوی اصلی ارتباطی شامل ارتباط سازنده متقابل، الگوی توقع/کناره‌گیری و اجتناب متقابل است. در الگوی ارتباط سازنده، هر دو همسر با گفت‌وگوی مؤثر، همدلی، احترام متقابل و حل مسئله، زمینه رشد رابطه را فراهم می‌کنند؛ در حالی که در دو الگوی دیگر، اجتناب از گفت‌وگو، کناره‌گیری، انتقاد، دفاعی شدن و ناتوانی در بیان نیازها، موجب افزایش تعارض و کاهش کیفیت رابطه می‌شود .

مطالعات نشان داده‌اند که الگوهای ارتباطی سالم، نه تنها رضایت زناشویی را افزایش می‌دهند، بلکه از طریق تقویت احساس امنیت، اعتماد و صمیمیت، نقش مهمی در افزایش تعهد زناشویی ایفا می‌کنند(عطا دخت و همکاران ،۲۰۲۴). در مقابل، الگوهای ارتباطی ناکارآمد با افزایش سوءبرداشت‌ها، کاهش حمایت هیجانی، تشدید تعارض‌ها و فرسایش تدریجی رابطه همراه هستند(اسدپور و همکاران ،۲۰۲۵) . در واقع، بسیاری از مشکلات زناشویی نه به دلیل تفاوت دیدگاه‌ها، بلکه به دلیل شیوه نادرست برقراری ارتباط میان زوجین شکل می‌گیرند. بنابراین، انتظار می‌رود کیفیت الگوهای ارتباطی بتواند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر میزان تعهد زوجین نسبت به زندگی مشترک اثرگذار باشد (عبید کیا و همکاران ، ۲۰۲۲).

از دیدگاه نظری نیز میان الگوهای ارتباطی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی ارتباطی منطقی و تبیین‌پذیر وجود دارد. زوج‌هایی که از الگوهای ارتباطی سازنده برخوردارند، معمولاً در هنگام بروز اختلاف از سبک‌های حل تعارض سازگارانه مانند گفت‌وگو، همکاری و مصالحه استفاده می‌کنند(عطا دخت و همکاران ،۲۰۲۴) . این شیوه تعامل، احساس امنیت، اعتماد و حمایت متقابل را افزایش داده و در نتیجه، زمینه تقویت تعهد زناشویی را فراهم می‌آورد(دیلمی و همکاران ،۲۰۲۱). در مقابل، الگوهای ارتباطی ناکارآمد اغلب با سبک‌های حل تعارض اجتنابی یا پرخاشگرانه همراه هستند که به افزایش تعارض، کاهش رضایت، فاصله هیجانی و در نهایت کاهش تعهد زناشویی منجر می‌شوند(علی و همکاران ،۲۰۲۴) . بنابراین، می‌توان انتظار داشت که الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض، به صورت همزمان نقش مهمی در پیش‌بینی میزان تعهد زوجین ایفا کنند.

پژوهش‌های انجام‌شده نیز تا حد زیادی این روابط را تأیید کرده‌اند. مهرپویا و همکاران (۲۰۲۲) گزارش کرد که باورهای ارتباطی ناکارآمد با کاهش رضایت و تعهد زناشویی ارتباط معناداری دارند. قاسمی و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان دادند که باورهای ارتباطی ناکارآمد، نارضایتی زناشویی را پیش‌بینی کرده و از طریق کاهش کیفیت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

تعاملات زوجین، تعهد زناشویی را تضعیف می‌کنند. همچنین عطادخت و همکاران (۲۰۲۴) بیان کردند که باورهای ارتباطی ناکارآمد می‌توانند استفاده از سبک‌های حل تعارض اجتنابی را پیش‌بینی کنند.

با وجود مطالعات انجام‌شده، بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها نقش سبک‌های حل تعارض یا الگوهای ارتباطی را به صورت جداگانه در ارتباط با پیامدهایی مانند رضایت زناشویی، سازگاری یا کیفیت زندگی بررسی کرده‌اند و پژوهش‌هایی که نقش همزمان این دو متغیر را در پیش‌بینی تعهد زناشویی مورد توجه قرار داده باشند، محدود است. افزون بر این، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان جوامع مختلف، تعمیم نتایج پژوهش‌های انجام‌شده به همه جمعیت‌ها با احتیاط همراه است. شهر قم به دلیل برخورداری از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاص، می‌تواند الگوهای متفاوتی از تعاملات زناشویی را تجربه کند؛ ازاین‌رو، بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی در این جامعه می‌تواند اطلاعات ارزشمندی برای برنامه‌ریزی مداخلات آموزشی و مشاوره‌ای در حوزه خانواده فراهم آورد.

بر این اساس، با توجه به اهمیت تعهد زناشویی در حفظ ثبات خانواده، نقش تعیین‌کننده سبک‌های حل تعارض و الگوهای ارتباطی در کیفیت روابط زوجین، و نیز محدود بودن پژوهش‌هایی که نقش همزمان این دو متغیر را در جامعه زوجین شهر قم بررسی کرده باشند، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های حل تعارض و الگوهای ارتباطی زوجین شهر قم انجام شد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین ساکن استان قم تشکیل دادند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شد. با توجه به احتمال ریزش نمونه، ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شد که پس از بررسی، ۳۹۳ پرسشنامه کامل و قابل تحلیل وارد پژوهش شد. نمونه‌گیری به روش غیرتصادفی در دسترس انجام گرفت. بدین منظور، لینک پرسشنامه‌های الکترونیکی از طریق شبکه‌های اجتماعی و بسترهای ارتباطی مجازی در اختیار افراد واجد شرایط قرار گرفت و از آنان دعوت شد تا به صورت داوطلبانه در پژوهش شرکت کنند. معیار ورود به پژوهش شامل داشتن حداقل دو سال سابقه زندگی مشترک و رضایت برای مشارکت در پژوهش بود. همچنین پرسشنامه‌های ناقص از تحلیل نهایی حذف شدند. شرکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه بود و شرکت‌کنندگان در هر مرحله امکان انصراف از همکاری را داشتند. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، اهداف پژوهش برای شرکت‌کنندگان تشریح شد و محرمانه بودن اطلاعات و ناشناس ماندن پاسخ‌ها به آنان اطمینان داده شد. در پایان، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و با بهره‌گیری از شاخص‌های آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شدند.

ابزار پژوهش

۱-پرسشنامه تعهد زناشویی (Dimensions of Commitment Inventory؛ DCI)

به‌منظور سنجش تعهد زناشویی از پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷) استفاده شد. این پرسشنامه یکی از معتبرترین ابزارهای سنجش تعهد در روابط زناشویی است و با هدف ارزیابی میزان پایبندی افراد به حفظ و تداوم زندگی مشترک طراحی شده است. نسخه مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل ۴۴ گویه است که سه بعد تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری را اندازه‌گیری می‌کند. تعهد شخصی به تمایل درونی فرد برای ادامه رابطه به دلیل عشق، علاقه و رضایت از زندگی مشترک اشاره دارد. تعهد اخلاقی بیانگر احساس مسئولیت، وظیفه و الزام اخلاقی نسبت به حفظ ازدواج است و تعهد ساختاری به محدودیت‌ها و هزینه‌های ترک رابطه، از جمله موانع اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی، اشاره دارد که فرد را به ادامه زندگی مشترک ترغیب می‌کند. گویه‌های این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره‌گذاری می‌شوند و دامنه نمره کل بین ۴۴ تا ۲۲۰ است؛ به‌طوری‌که نمرات بالاتر نشان‌دهنده تعهد زناشویی بیشتر است. مطالعات مختلف

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

روایی سازه مطلوب و پایایی مناسب این ابزار را گزارش کرده‌اند و ضریب آلفای کرونباخ آن در پژوهش‌های پیشین حدود ۰.۸۷ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰.۷۸۵ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار در نمونه مورد مطالعه است.

برای سنجش الگوهای ارتباطی زوجین از پرسشنامه الگوهای ارتباطی کریستنسن و سالاوی (۱۹۸۴) استفاده شد. این ابزار یکی از پرکاربردترین پرسشنامه‌های ارزیابی کیفیت ارتباط میان همسران است و با هدف بررسی نحوه تعامل زوجین در موقعیت‌های تعارض و حل مسئله طراحی شده است. نسخه مورد استفاده در این پژوهش شامل ۳۵ گویه است که پنج الگوی ارتباطی شامل ارتباط سازنده متقابل، ارتباط توقع/کناره‌گیری، الگوی مرد متوقع/زن کناره‌گیر، الگوی زن متوقع/مرد کناره‌گیر و اجتناب متقابل را ارزیابی می‌کند. در الگوی ارتباط سازنده متقابل، زوجین از گفت‌وگو، همدلی و همکاری برای حل مشکلات استفاده می‌کنند، در حالی که سایر الگوها بیانگر شیوه‌های ناکارآمد ارتباطی از جمله انتقاد، کناره‌گیری، اجتناب از گفت‌وگو و ناتوانی در حل مؤثر تعارض هستند. پاسخ به گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت انجام می‌شود و نمره هر خرده‌مقیاس به صورت جداگانه محاسبه می‌شود. نمرات بالاتر در هر بعد نشان‌دهنده استفاده بیشتر از همان الگوی ارتباطی است. مطالعات مختلف، روایی و پایایی مطلوب این ابزار را تأیید کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰.۸۵۱ به دست آمد که بیانگر همسانی درونی مطلوب آن است.

۲-پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین (Communication Patterns Questionnaire؛ CPQ)

۳-پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم (Rahim Organizational Conflict Inventory-II؛ ROCI-II)

به‌منظور ارزیابی سبک‌های حل تعارض از پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم (۱۹۸۳) استفاده شد. این ابزار یکی از معتبرترین مقیاس‌های سنجش شیوه‌های مدیریت تعارض در روابط بین‌فردی است و نسخه مورد استفاده در این پژوهش شامل ۲۸ گویه است که پنج سبک حل تعارض شامل یکپارچگی، ملزم‌شده، مسلط، اجتناب‌کننده و مصالحه را اندازه‌گیری می‌کند. سبک یکپارچگی بر همکاری، تبادل اطلاعات و دستیابی به راه‌حل‌هایی که منافع هر دو طرف را تأمین کند، تأکید دارد. سبک ملزم‌شده بیانگر ترجیح خواسته‌های طرف مقابل بر خواسته‌های فرد است. سبک مسلط به تلاش فرد برای تحمیل دیدگاه خود به دیگری اشاره دارد. سبک اجتناب‌کننده بیانگر پرهیز از مواجهه مستقیم با تعارض و به تعویق انداختن حل مسئله است و سبک مصالحه بر دستیابی به راه‌حلی میانه که تا حدودی رضایت هر دو طرف را تأمین کند، تأکید دارد. این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود و نمرات بالاتر در هر خرده‌مقیاس نشان‌دهنده استفاده بیشتر از همان سبک حل تعارض است. مطالعات مختلف روایی و پایایی مطلوب این ابزار را تأیید کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰.۸۳۳ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب آن در نمونه مورد مطالعه است.

یافته‌ها

در این پژوهش، ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج توصیفی مربوط به جنسیت، سابقه طلاق، سابقه اختلاف و مشاجره، رضایت از زندگی زناشویی، تعداد فرزندان، سن و مدت ازدواج در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۹۳	۴۹.۱
	زن	۲۰۰	۵۰.۹
سابقه طلاق	دارای سابقه طلاق	۳۴	۸.۷
	بدون سابقه طلاق	۳۵۹	۹۱.۳
سابقه اختلاف و مشاجره	دارای سابقه اختلاف و مشاجره	۲۹۲	۷۴.۳
	بدون سابقه اختلاف و مشاجره	۱۰۱	۲۵.۷
رضایت از زندگی زناشویی	رضایت از زندگی زناشویی	۳۱۳	۷۹.۶
	عدم رضایت از زندگی زناشویی	۸۰	۲۰.۴
تعداد فرزندان	بدون فرزند	۶۱	۱۵.۵
	یک فرزند	۹۲	۲۳.۴
	دو فرزند	۱۶۵	۴۲.۰
	سه فرزند	۶۱	۱۵.۵
	چهار فرزند و بیشتر	۱۵	۳.۶

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۹ سال با انحراف معیار ۶.۷، حداقل ۱۸ و حداکثر ۶۳ سال بود. همچنین میانگین مدت ازدواج ۱۷ سال با انحراف معیار ۸.۸، حداقل ۲ و حداکثر ۴۷ سال گزارش شد. همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از مجموع ۳۹۳ شرکت‌کننده، ۲۰۰ نفر (۵۰.۹ درصد) زن و ۱۹۳ نفر (۴۹.۱ درصد) مرد بودند. همچنین ۳۴ نفر (۸.۷ درصد) دارای سابقه طلاق و ۳۵۹ نفر (۹۱.۳ درصد) فاقد سابقه طلاق بودند. از نظر سابقه اختلاف و مشاجره، ۲۹۲ نفر (۷۴.۳ درصد) سابقه اختلاف و ۱۰۱ نفر (۲۵.۷ درصد) سابقه‌ای از اختلاف گزارش نکردند. علاوه بر این، ۳۱۳ نفر (۷۹.۶ درصد) از زندگی زناشویی خود رضایت داشتند، در حالی که ۸۰ نفر (۲۰.۴ درصد) از زندگی زناشویی خود ابراز نارضایتی کردند .

بررسی تعداد فرزندان نیز نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به زوج‌های دارای دو فرزند (۴۲ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به خانواده‌های دارای چهار فرزند و بیشتر (۳.۶ درصد) بود. همچنین میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۹ سال و میانگین مدت ازدواج آنان ۱۷ سال بود که به ترتیب با انحراف معیارهای ۶.۷ و ۸.۸ همراه بود. پیش از انجام تحلیل‌های استنباطی، مفروضه‌های لازم برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک بررسی شد .

با توجه به حجم نمونه (۳۹۳ نفر)، نرمال بودن توزیع داده‌ها بر اساس شاخص‌های کجی و کشیدگی ارزیابی شد. نتایج نشان داد که مقادیر کجی و کشیدگی تمامی متغیرهای پژوهش در دامنه ۱± قرار دارند؛ بنابراین، توزیع داده‌ها نرمال بوده و استفاده از آزمون‌های پارامتریک از جمله تحلیل رگرسیون چندگانه بلامانع است.پس از تأیید مفروضه‌های آماری، به منظور بررسی توان پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های حل تعارض و الگوهای ارتباطی، سه مدل رگرسیون چندگانه به روش همزمان اجرا شد. خلاصه نتایج این مدل‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. خلاصه نتایج مدل‌های رگرسیون در پیش‌بینی تعهد زناشویی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین تعدیل‌شده (Adjusted R^2)	آماره F	سطح معناداری
سبک‌های حل تعارض و الگوهای ارتباطی	۰.۶۰۷	۰.۳۶۵	۱۱۳.۵۶۱	P<۰.۰۰۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

زیرمقیاس‌های سبک‌های حل تعارض	۰.۷۰۲	۰.۴۸۶	۷۵.۰۸۴	P<۰.۰۰۱
زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی	۰.۳۶۷	۰.۱۲۳	۱۲.۰۲۸	P<۰.۰۰۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که هر سه مدل رگرسیون از نظر آماری معنادار هستند (P<۰.۰۰۱). در مدل نخست، سبک‌های حل تعارض و الگوهای ارتباطی در مجموع توانستند ۳۶.۵ درصد از واریانس تعهد زناشویی را تبیین کنند . در مدل دوم، زیرمقیاس‌های سبک‌های حل تعارض ۴۸.۶ درصد از تغییرات تعهد زناشویی را پیش‌بینی کردند که بیشترین قدرت تبیین را در میان سه مدل داشت. همچنین در مدل سوم، زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی ۱۲.۳ درصد از واریانس تعهد زناشویی را تبیین کردند. نتایج آزمون F نیز نشان داد که هر سه مدل از برازش مناسبی برخوردار بوده و توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را به صورت معنادار دارند. پس از تأیید معناداری مدل کلی، به منظور تعیین سهم هر یک از زیرمقیاس‌های سبک‌های حل تعارض در پیش‌بینی تعهد زناشویی، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. نتایج مربوط به ضرایب رگرسیون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه زیرمقیاس‌های سبک‌های حل تعارض در پیش‌بینی تعهد زناشویی

متغیر	(B) ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	(β) ضریب استاندارد شده	t آماره	سطح معناداری
ثابت	۶۳.۰۹۰	۵.۱۰۳	—	۱۲.۳۶۳	P<۰.۰۰۱
سبک یکپارچگی	۱.۹۰۸	۰.۱۵۷	۰.۵۴۷	۱۲.۱۴۰	P<۰.۰۰۱
سبک مسلط	۰.۰۷۲	۰.۱۴۸	۰.۰۲۰	۰.۴۸۸	۰.۶۲۶
سبک ملزم‌شده	۰.۵۱۸	۰.۱۴۱	۰.۱۳۴	۳.۶۶۵	P<۰.۰۰۱
سبک اجتناب‌کننده	۰.۱۳۵	۰.۳۱۳	۰.۰۱۹	۰.۴۳۲	۰.۶۶۶
سبک مصالحه	۰.۸۸۸	۰.۱۸۲	۰.۲۱۹	۴.۸۷۶	P<۰.۰۰۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که از میان پنج زیرمقیاس سبک‌های حل تعارض، سبک یکپارچگی، سبک ملزم‌شده و سبک مصالحه نقش معناداری در پیش‌بینی تعهد زناشویی داشتند ، در حالی که سبک مسلط (P=۰.۶۲۶) و سبک اجتناب‌کننده (P=۰.۶۶۶) نتوانستند تعهد زناشویی را به طور معنادار پیش‌بینی کنند. بررسی ضرایب استانداردشده نشان داد که سبک یکپارچگی با ضریب استاندارد β= ۰.۵۴۷ قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی در میان زیرمقیاس‌های سبک‌های حل تعارض است. پس از آن، سبک مصالحه (β= ۰.۲۱۹) و سبک ملزم‌شده (β=۰.۱۳۴) به ترتیب بیشترین سهم را در پیش‌بینی تعهد زناشویی داشتند. به طور کلی، نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که استفاده از راهبردهای سازنده در مدیریت تعارض، به ویژه سبک یکپارچگی، با افزایش تعهد زناشویی همراه است. به منظور بررسی سهم زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی در پیش‌بینی تعهد زناشویی، تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان اجرا شد. ضرایب رگرسیون مربوط به این تحلیل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی در پیش‌بینی تعهد زناشویی

متغیر	(B) ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	(β) ضریب استاندارد شده	t آماره	سطح معناداری
ثابت	۱۳۹.۲۱۱	۳.۷۲۰	—	۳۷.۴۱۸	P<۰.۰۰۱
ارتباط سازنده متقابل	۰.۵۴۳	۰.۰۷۹	۰.۴۲۱	۶.۸۵۶	P<۰.۰۰۱
ارتباط توقع/کناره‌گیری	۰.۰۷۵	۰.۵۳۹	۰.۰۴۸	۰.۱۳۹	۰.۸۸۹
مرد متوقع/زن کناره‌گیر	۰.۰۸۹	۰.۷۵۴	۰.۰۳۲	۰.۱۱۸	۰.۹۰۶
زن متوقع/مرد کناره‌گیر	۰.۱۹۹	۰.۵۴۴	۰.۰۶۸	۰.۳۶۵	۰.۷۱۵
اجتناب متقابل	۰.۰۲۷	۰.۱۹۳	۰.۰۰۸	۰.۱۳۹	۰.۸۹۰

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که از میان زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی، تنها الگوی ارتباط سازنده متقابل توانست تعهد زناشویی را به طور مثبت و معنادار پیش‌بینی کند (β=۰.۴۲۱ ، P<۰.۰۰۱). در مقابل، زیرمقیاس‌های ارتباط توقع/کناره‌گیری (P=۰.۸۸۹)، مرد متوقع/زن کناره‌گیر (P=۰.۹۰۶)، زن متوقع/مرد کناره‌گیر (P=۰.۷۱۵) و اجتناب متقابل (P=۰.۸۹۰) نقش معناداری در پیش‌بینی تعهد زناشویی نداشتند. بنابراین، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش استفاده از الگوی ارتباط سازنده متقابل با افزایش تعهد زناشویی همراه است، در حالی که سایر الگوهای ارتباطی بررسی‌شده سهم معناداری در تبیین تغییرات تعهد زناشویی نداشتند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در قالب مدل پژوهش و بر اساس ضرایب مسیر استاندارد در شکل ۱ ارائه شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

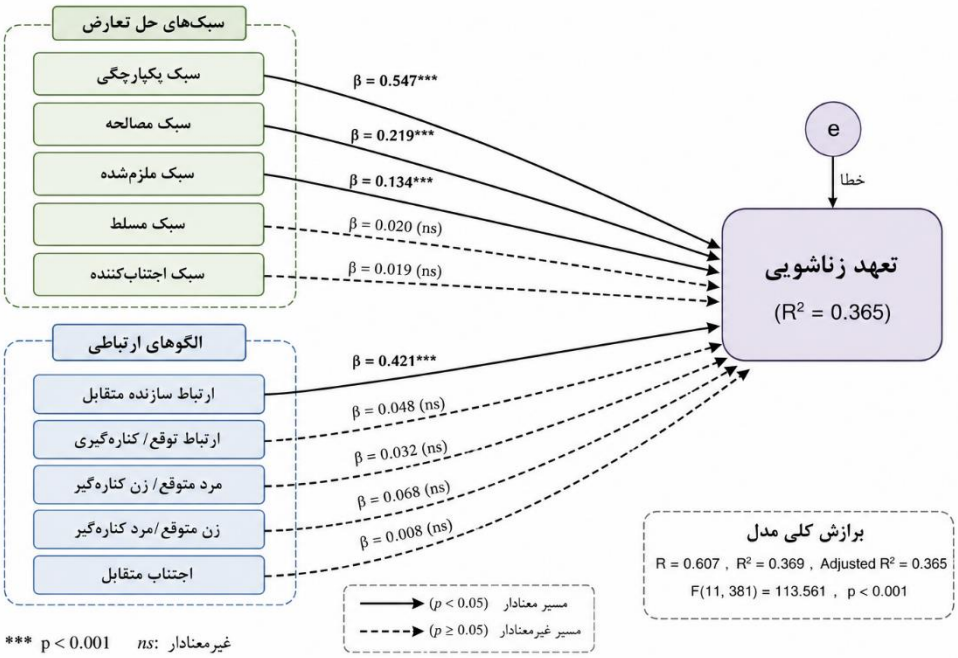

شکل 1. مدل پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد

همان‌گونه که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، در میان زیرمقیاس‌های سبک‌های حل تعارض، سبک یکپارچگی با ضریب استاندارد β=۰.۵۴۷ قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی است. پس از آن، سبک مصالحه β= ۰.۲۱۹ و سبک ملزم‌شده β= ۰.۱۳۴ نیز اثر مثبت و معناداری بر تعهد زناشویی دارند. در مقابل، سبک مسلط β=۰.۰۲۰ و سبک اجتناب‌کننده β= ۰.۰۱۹ نقش معناداری در پیش‌بینی تعهد زناشویی ایفا نکردند.

همچنین، در میان زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی، تنها الگوی ارتباط سازنده متقابل با ضریب استاندارد ۰.۴۲۱ =βتوانست تعهد زناشویی را به طور مثبت و معنادار پیش‌بینی کند، در حالی که سایر الگوهای ارتباطی شامل ارتباط توقع/کناره‌گیری، مرد متوقع/زن کناره‌گیر، زن متوقع/مرد کناره‌گیر و اجتناب متقابل دارای ضرایب غیرمعنادار بودند. به طور کلی، مدل پژوهش نشان می‌دهد که سبک‌های سازنده حل تعارض و الگوی ارتباط سازنده متقابل، مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی در نمونه مورد مطالعه هستند و در مجموع ۳۶.۵ درصد از واریانس تعهد زناشویی را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته اصلی پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های حل تعارض و الگوهای ارتباطی، توان پیش‌بینی معناداری برای تعهد زناشویی دارند و در مجموع توانستند ۳۶.۵ درصد از واریانس تعهد زناشویی را تبیین کنند. این یافته با نتایج پژوهش‌های ظلین و همکاران (۲۰۲۲) ، نمتی و همکاران (۲۰۲۲) ، مهرپویا و همکاران (۲۰۲۲) ، شیفاو (۲۰۲۴) ، وانگ و ژائو (۲۰۲۳) وگاتمن (۲۰۲۳) همسو است. این پژوهش‌ها نشان دادند که کیفیت تعاملات زوجین، شیوه مدیریت تعارض و الگوهای ارتباطی سالم، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت رابطه، رضایت و تعهد زناشویی هستند. به‌ویژه، لین و همکاران (۲۰۲۲) گزارش کردند که تعهد زناشویی با رفتارهای فداکارانه و کیفیت رابطه ارتباط مستقیم دارد و شیفاو (۲۰۲۴) نیز نشان داد که ارتباط زناشویی، نقش مهمی در تقویت اثر راهبردهای حل تعارض بر پیامدهای مثبت زندگی مشترک ایفا می‌کند. این یافته را می‌توان بر اساس دیدگاه گاتمن تبیین کرد؛ به این معنا که زوج‌هایی که در تعاملات روزمره خود از مهارت‌های ارتباطی مؤثر و شیوه‌های سازنده حل تعارض استفاده می‌کنند، احساس امنیت، اعتماد و حمایت بیشتری را تجربه کرده و در نتیجه سرمایه‌گذاری هیجانی آنان در رابطه افزایش می‌یابد. این سرمایه‌گذاری هیجانی موجب تقویت احساس مسئولیت، ثبات رابطه و تعهد زناشویی می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در میان سبک‌های حل تعارض، سبک یکپارچگی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی بود و پس از آن، سبک‌های مصالحه و ملزم‌شده نیز نقش معناداری در پیش‌بینی تعهد زناشویی داشتند، در حالی که سبک‌های مسلط و اجتناب‌کننده نقش معناداری نشان ندادند. این یافته با نتایج پژوهش‌های علی و همکاران (۲۰۲۴) ، ادیب‌کیا و همکاران (۲۰۲۲) ،مقیم و همکاران (۲۰۲۲) ، اسدپورو همکاران (۲۰۲۵) و همچنین دیدگاه فولگر و همکاران (۲۰۲۴) همسو است. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که استفاده از راهبردهای مشارکتی، گفت‌وگوی سازنده و حل مسئله مشترک، موجب کاهش تنش‌های زناشویی و افزایش رضایت و ثبات رابطه می‌شود. از منظر نظری، سبک یکپارچگی مبتنی بر همکاری، احترام متقابل و تلاش برای دستیابی به راه‌حل برد ـ برد است. در چنین شرایطی، هر دو همسر احساس می‌کنند نیازها و خواسته‌های آنان مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین، اعتماد متقابل و احساس امنیت در رابطه افزایش یافته و زمینه شکل‌گیری تعهد پایدار فراهم می‌شود. در مقابل، استفاده از سبک‌های مسلط یا اجتنابی معمولاً مانع از حل واقعی تعارض شده و اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت از شدت تنش بکاهد، اما در بلندمدت موجب کاهش کیفیت رابطه خواهد شد؛ ازاین‌رو، در پژوهش حاضر نیز این سبک‌ها نقش معناداری در پیش‌بینی تعهد زناشویی نداشتند.

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش حاضر آن بود که از میان زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی، تنها الگوی ارتباط سازنده متقابل توانست تعهد زناشویی را به طور مثبت و معنادار پیش‌بینی کند و سایر الگوهای ارتباطی شامل توقع/کناره‌گیری، مرد متوقع/زن کناره‌گیر، زن متوقع/مرد کناره‌گیر و اجتناب متقابل نقش معناداری در پیش‌بینی تعهد زناشویی نداشتند. این یافته با نتایج پژوهش‌های شیفاو (۲۰۲۴) ، وانگ و ژائو (۲۰۲۳) ، دیلمی و همکاران (۲۰۲۱) ، مهرپویا و همکاران (۲۰۲۲) و گاتمن و گاتمن (۲۰۰۷) همسو است. پژوهش‌های یادشده نشان داده‌اند که ارتباط سازنده، گفت‌وگوی باز، گوش دادن فعال و بیان مناسب هیجان‌ها موجب افزایش صمیمیت، اعتماد و رضایت زناشویی می‌شود و در مقابل، الگوهای ارتباطی منفی مانند کناره‌گیری و اجتناب، زمینه‌ساز فاصله هیجانی و کاهش کیفیت رابطه هستند. بر اساس نظریه‌های ارتباطی خانواده، زمانی که زوجین بتوانند بدون سرزنش، انتقاد یا اجتناب درباره مسائل خود گفت‌وگو کنند، احتمال حل موفق تعارض افزایش یافته و احساس تعلق و امنیت روان‌شناختی در رابطه تقویت می‌شود. این احساس امنیت، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری تعهد زناشویی است. در مقابل، الگوهای ارتباطی منفی، هرچند ممکن است در برخی روابط مشاهده شوند، اما به دلیل ایجاد چرخه‌های ناکارآمد ارتباطی، نمی‌توانند به تقویت تعهد زناشویی منجر شوند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کیفیت تعاملات زوجین، بیش از هر عامل دیگری، در شکل‌گیری تعهد زناشویی نقش دارد. استفاده از سبک‌های سازنده حل تعارض، به‌ویژه سبک یکپارچگی، و بهره‌گیری از الگوی ارتباط سازنده متقابل، زمینه را برای افزایش اعتماد، صمیمیت، رضایت و احساس امنیت در رابطه فراهم می‌کند و در نهایت موجب تقویت تعهد زناشویی می‌شود. ازاین‌رو، توجه به آموزش مهارت‌های ارتباطی و راهبردهای سازنده حل تعارض در برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج، زوج‌درمانی و آموزش خانواده می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای کیفیت روابط زناشویی و کاهش تعارضات زوجین داشته باشد.

پژوهش حاضر نیز همانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی همراه بود. نخست، استفاده از ابزارهای خودگزارشی ممکن است پاسخ‌ها را تحت تأثیر سوگیری مطلوبیت اجتماعی قرار داده باشد. دوم، به دلیل استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، تعمیم نتایج به تمامی زوجین باید با احتیاط انجام شود. همچنین، ماهیت همبستگی پژوهش امکان استنتاج روابط علّی میان متغیرها را فراهم نمی‌کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از طرح‌های طولی و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مداخله‌ای استفاده شود و نقش سایر متغیرهای مؤثر بر تعهد زناشویی، از جمله سبک‌های دلبستگی، تنظیم هیجان، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و صمیمیت هیجانی نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، اجرای برنامه‌های آموزشی مبتنی بر ارتقای مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض در مراکز مشاوره خانواده و ارزیابی اثربخشی آن‌ها بر تعهد زناشویی می‌تواند زمینه مناسبی برای پژوهش‌های آینده فراهم سازد.

ملاحظات اخلاقی

کسب رضایت آگاهانه از اصول اخلاقی در این پژوهش بود.

حامی مالی

این تحقیق هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرد.

تعارض منافع

بدینوسیله نویسندگان تصریح می‌نمایند که هیچگونه تضاد منافعی در خصوص پژوهش حاضر وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند که از کلیه افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

References

Aldao ،A. ،& Nolen-Hoeksema ،S. (2010). Specificity Adibkia, A., Emamipour, S., KESHAVARZI, A. F., & Mohammadkhani, P. (2022). The relationship between irrational beliefs and the marital satisfaction based on the mediating role of the conflict resolution behavior and the marital stress.

Akrami, S. (2022). Evaluation of the Effectiveness of Acceptance and Commitment-based Education on Emotional Self-disclosure and Marital Commitment of Women Referring to Gonbad Kavous Clinics. International Journal of Education and Cognitive Sciences, 3(2), 23-29.

Ali, A. A., Mahmood, K., Javaid, Z. K., & Athar, M. (2024). Conflict resolution, psychological well-being and marital satisfaction among spouses of working people. Pakistan Journal of Law, Analysis and Wisdom, 3(2), 183-191.

Asadpour, E., Sharei, A., & Salmani, A. (2025). Premarital intervention based on attachment and differentiation improves communication and conflict management in Iranian couples. Scientific reports, 15(1), 29151.

Atadokh, A., Salmani, A., & Sharei, A. (2024). The effectiveness of premarital attachment-differentiation training in cognitive flexibility and adjustment in couples preparing for marriage. Iranian Journal of Family Psychology, 11(2), 1-16.

Deylami, N., Hassan, S. A., Alareqe, N. A., & Zainudin, Z. N. (2021). Evaluation of an online Gottman's psychoeducational intervention to improve marital communication among Iranian couples. International journal of environmental research and public health, 18(17), 8945.

Folger, J. P., Poole, M. S., & Stutman, R. K. (2024). Working through conflict: Strategies for relationships, groups, and organizations. Routledge.

Ghaibi, E., Manesh, M. R. S., Dezfouli, H. J., Zarif, F., Jafari, Z., & Gilani, Z. (2022). Emotional Divorce and Religious Commitment among Nurses and Staff of Ahvaz Government Hospitals.

Ghasemi Varniab, B., Rahmani, M. A., Zarbakhsh Bahri, M. R., & Abolghasemi, S. (2020). Presenting a structural model of marital commitment based on emotional maturity mediating role of intimacy and interpersonal cognitive distortions. Islamic lifestyle with a focus on health, 4(1), 124-133.

Girma Shifaw, Z. (2024). Marital communication as moderators of the relationship between marital conflict resolution and marital satisfaction. The American Journal of Family Therapy, 52(3), 249-260.

Gottman, J. (2023). What predicts divorce?: The relationship between marital processes and marital outcomes. Routledge.

Gottman, J. M., & Gottman, J. (2007). Why marriages succeed or fail. A&C Black.

Hashemizadeh, F. S., Atashpour, S. H., & Farhadi, H. (2025). Comparison of the Effectiveness of Paradox TimeTable Cure and Acceptance and Commitment Therapy Matrix on Family Adaptability and Mental Well-Being in Women with Marital Conflicts.

Lin, L., Guo, H., Duan, L., He, L., Wu, C., Lin, Z., & Sun, J. (2022). Research on the relationship between marital commitment, sacrifice behavior and marital quality of military couples. Frontiers in psychology, 13, 964167.

Mehrpouya, F., Jajarmi, M., & Alizadeh, M. E. (2022). The Inter-structural relationships between early maladaptive schemas and marital commitment of couples: The mediating role of communication patterns.

Moghim, F., Asadi, J., & Khajevand Khoshali, A. (2022). A comparison between the effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy (ACT) and Schema Therapy on marital burnout and marital conflicts of patients referred to Gorgan counseling centers. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry, 9(2), 16-34.

Nemati, M., Behmanesh, F., Kheirkhah, F., Geraili, Z., & Pasha, H. (2022). Marital commitment and mental health in different patterns of mate selection: A comparison of modern, mixed, and traditional patterns. Iranian Journal of Psychiatry, 17(4), 418.

Poorshirazi, K., Sharei, A., Salahshouri, A., Shahhouseini, A., & Ilghami Azar, N. (2021). Comparing the effectiveness of schema therapy and therapy based on acceptance and

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

commitment in reducing anxiety and despair of women after divorce. Journal of Applied Family Therapy, 2(3), 617-635.

Sharei, A., Ebrahimi, M., Ahmadi Ochtapeh, P., Mahdavirad, H., & Jamshiddoust Miyanroudi, F. (2023). The Effectiveness of Strength-Based Therapy in Improving Self-Esteem and Reducing Suicidal Thoughts of Women Affected by Domestic Violence in Ardebil. Preventive Counseling, 4(1), 31-44.

Wang, X., & Zhao, K. (2023). Partner phubbing and marital satisfaction: The mediating roles of marital interaction and marital conflict. Social Science Computer Review, 41(4), 1126-1139.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]